

تذکره

ستادهای مردمی
حلقه واصل امدادگران و روستاهای سیل زده
شناسایی از ما، کمک از شما



سیل در لرستان فروکش کرده و مردم به خانه‌ها برگشته‌اند تا دوباره زندگی را از نو بسازند. ستادهای مردمی در روستاها و شهرستان‌های استان هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهند. سیل جاده‌ها را شسته و گرچه مشکلات روزهای اول برطرف شده، اما عبور و مرور در بسیاری از این جاده‌ها هنوز خطرناک است.

«مهرداد دهقانی» داوطلب لرستان که از روز نخست سیلاب ستادی مردمی را مدیریت می‌کند، برای امداد رسانی به روستاها به همراه گروهی از کوهنوردان و امدادگران، با پای پیاده راهی روستاهای درگیر سیلاب می‌شدند.

او می‌گوید: «علاوه بر هلال احمر و دیگر نیروهای امدادی که فعالیتی ساماندهی شده داشتند، در شهرها و روستاهای مختلف ستادهای مردمی برای هدفمند کردن کمک به سیل زده‌ها تشکیل شد. در این ستادها مردم کمک‌های نقدی و غیر نقدی خود را به معتمدان محلی می‌دادند و اگر تخصصی داشتند که ممکن بود به درد امداد رسانی به مردم سیل زده بخورد، اعلام می‌کردند. بعد گروه‌هایی برای ارسال کمک‌ها به روستاها از طریق همین افراد و یا امدادگران هلال احمر تشکیل می‌شد. ما برای امداد رسانی به روستاهایی که راه‌های ارتباطی آن‌ها بسته شده بود، مسیرهای طولانی را با پای پیاده طی می‌کردیم. بخشی از مسیر را با خودروی آفرود حرکت می‌کردیم و بخش دیگر را، مجبور به حمل اقلام کمکی می‌شدیم و با پای پیاده از کوه‌ها عبور می‌کردیم.»

شناسایی روستاهای آسیب دیده و اطلاع‌رسانی از وضعیت آن‌ها به نیروهای هلال احمر، بخشی از فعالیت‌هایی است که او به همراه دوستانش در سیلاب استان لرستان انجام می‌داد: «مقداری اقلام ضروری و مواد غذایی و دارو با خود به همراه داشتیم و به سراغ روستاهایی می‌رفتیم که راه‌های ارتباطی زمینی آن‌ها بسته شده بود و تنها از طریق امداد هوایی امکان کمک رسانی به آن‌ها فراهم بود. آمار دقیقی از وضعیت روستا می‌گرفتیم و اقلام ضروری اولیه را به آن‌ها می‌رساندیم. اگر شرایط امداد رسانی با بالگرد به روستا دشوار بود، دوباره برای ارسال کمک به آنجا برمی‌گشتیم. این بار با اطلاعاتی که از روستا در دست داشتیم، کمک‌ها هدفمند و کاملاً متناسب با نیازی بود که مردم داشتند.»

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌های خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

افتتاح نمایشگاه «همه جا برای همه» با حضور سفیر ایران در پاریس

نمایشگاه همه جا برای همه که ماحصل نگاه ۲۸ عکاس ایرانی به وقایع سیل اخیر ایران در ۳ استان است، عصر جمعه، ۳ خرداد در محل راینی جمهوری اسلامی ایران در پاریس افتتاح شد. همه جا برای همه در مراسمی با حضور بهرام قاسمی، سفیر ایران در فرانسه؛ جمال کامیاب، راین فرنگی ایران در فرانسه؛ میشل سستیون، عکاس وقایع انقلاب و جمعی از هنرمندان ایرانی و فرانسوی در محل راینی ایران در پاریس افتتاح شد. در این نمایشگاه ۵۶ اثر از ۲۸ هنرمند عکاس با انتخاب از درجه نگاه بابک برزویه و حیدر رضایی به نمایش گذاشته شده است. آثاری که سعی دارد تا گوشه‌ای از مشکلات سیل اخیر در استان‌های گلستان، لرستان و خوزستان را به نمایش بگذارد و همچنین با توجه به تحریم‌ها به ارسال نشدن کمک‌های انساندوستانه جهانیان به ایران اشاره کند.

دختر کوهستان، به امداد مردم سیل زده می‌شتابد

امداد رسانی از روی صخره‌ها و دیوارهای صعب‌العبور



«امداد رسانی به دیگران، بزرگ‌ترین دلخوشی من است.» «زینب توانا» صخره نورد ۳۲ ساله کوهستانی است که این روزها ویدئوهایش از کمک رسانی در سیلاب لرستان دست‌به‌دست می‌شود. دوران دانشجویی را در لرستان می‌گذراند و به همین دلیل در همین استان به امداد رسانی به سیل زده‌ها می‌پردازد. او می‌گوید: «از کودکی عاشق فیلم‌هایی بودم که در آن آمبولانس‌ها آژیر کشان حرکت می‌کردند. در دبیرستان، یکی از دوستانم که می‌دانست من به امدادگری علاقه‌مند هستم، گفت جایی را سراغ دارم که دوره‌های امداد برگزار می‌کند. هلال احمر را به من معرفی کرد و من همان سال، یعنی سال ۸۱ در دوره‌های مختلف امدادگری هلال احمر شرکت کردم. بعد هم مانورها و دوره‌های آتش نشانی را.» سال‌ها است به عنوان امدادگر کوهستان، در لرستان و خوزستان فعالیت می‌کند و سختی‌های این راه را به عنوان یک امدادگر کوهستان زن، به جان خریده است. ابزارهای ساده‌ای برای عبور از رودخانه و صعود طراحي کرده که به دلیل فراهم نبودن شرایط مالی، تاکنون فرصتی برای ساخت آن‌ها پیدا نکرده است.

مهارت باعث استخدام شد

سال ۸۸ بود. آن زمان مانورهایی برگزار می‌شد که در آن، تیم‌های همیار باتوان به اطفای حریق می‌پرداختند و آقایان، از یکی از پل‌های ۲۵ متری استان صعود می‌کردند. صخره نوردی و پایین رفتن از آن ارتفاع برای من خیلی جذاب بود. اما خانم‌ها در آن مانور اجازه این کار را نداشتند. آن روز یکی از افراد تیمی که از پل صعود می‌کرد به من گفت که ما می‌توانیم این صعود را تجربه کنیم اما شما نمی‌توانید. این حرف تاثیر زیادی در من گذاشت. از همان روز تصمیم گرفتم رگور صعود از ارتفاع آن پل را بشکنم. برای صعود نه‌مربی در کار بود نه آموزش حرفه‌ای صخره نوردی: «پول پس انداز می‌کردم تا بتوانم تجهیزات لازم را بخرم. وسایل را کم تهیه کردم و هم‌زمان، در مورد صخره نوردی و صعود از ارتفاع تحقیق می‌کردم. برای اولین بار از پشت بام خانه یکی از اقوام صعود کردم. بعد هم همراه دختر خاله‌ام به همان پل رفتم و از ارتفاع ۲۵ متری آن پل به تنهایی صعود کردم و از دختر خاله‌ام خواستم از من فیلم بگیرد. فیلم راه آتش نشانی بردم و به مسئول آتش نشانی نشان دادم. آن زمان در مانورهای مختلف آتش نشانی شرکت می‌کردم. در یکی از مانورها، وقتی از ارتفاعی صعود می‌کردم، طناب محافظ من پاره شد اما من توانستم با خونسردی صعود موفقیت آمیزی داشته باشم. تا آن زمان آتش نشانی‌های خوزستان مجوز استخدام زنان امدادگر را نداشتند. اما در آن مانور شهردار حضور داشت و وقتی مهارت من را دید مجوز استخدام من در آتش نشانی را صادر کرد.»

نجات در کوهستان

کوهنوردی و صخره نوردی در کنار آموزش‌های امدادگری هلال احمر، زینب توانا را به امدادگر حرفه‌ای کوهستان تبدیل کرده است. عملیات‌های مختلف امداد و نجات در کوهستان خوزستان و لرستان، تجربه سال‌ها امدادگری در هلال احمر است. توانا می‌گوید: «اولین کار کردن در امداد کوهستان، به عنوان یک استثنای سخت بود. خیلی‌ها مخالف حضور یک زن در امداد کوهستان بودند و من باید با همه این مخالفت‌ها مبارزه می‌کردم. در کنار اینکه باید تلاش خودم را بیشتر می‌کردم تا به عنوان یک نجاتگر و امدادگر حرفه‌ای همیشه آمادگی لازم را داشته باشم.» هیات کوهنوردی و امدادگران کوهستان در مأموریت‌های زیادی از او کمک گرفتند. نمونه‌اش نجات دو کوهنوردی که در کوه‌های «کمرسیاه» خطرناک‌ترین کوهستان استان لرستان گرفتار شده بودند: «خاک کوهستان کمرسیاه به اصطلاح پوک است و به همین دلیل کوهنوردی در آن بسیار خطرناک است. مسیر خاصی برای صعود و فرود دارد و کوهنوردان اگر از آن مسیر تردد نکنند، راه‌راگمی کنند و گرفتار می‌شوند. برای نجات این دو کوهنورد، تیم واکنش سریع اعزام شده بود اما به دلیل خطرناک بودن مسیر، نتوانستند بودند آن‌ها را نجات دهند. نزدیک ۶ صبح بود که از هیات کوهنوردی استان تماس گرفتند و گفتند می‌توانی بروی؟ گفتیم می‌روم. عبور از دیوارهای که نزدیک این دو کوهنورد قرار داشت کار دشواری بود. با این حال من با یکی از اعضای هیات کوهنوردی استان توانستم به این افراد برسیم و آن‌ها را نجات بدهیم.»

راه‌ر تباطر روستا و اصل می‌گردیم

امدادگر کوهستان اهل خوزستان، دانشجوی رشته فناوری اطلاعات در استان لرستان است. بعد از تعطیلات نوروزی که به لرستان سیل زده برگشت، به عنوان امدادگر فعالیت مداوم خود را آغاز کرد. سر زدن به روستاهای گرفتار شده در میان کوه و سیلاب، مهمترین فعالیت او در امداد رسانی به سیل زده‌ها است. توانا می‌گوید: «مهارت‌هایی که در رشته راپل و صخره نوردی یاد گرفته‌ام در امداد رسانی به روستاهای لرستان خیلی به درد من خورد. تجهیزات شخصی ام را برمی‌داشتم و به همراه یک تیم با بسته‌های غذایی که هلال احمر در اختیارمان می‌گذاشت به روستاهای می‌رفتیم. عبور از رودخانه و وصل کردن طناب‌های اتصال از دو سوی رودخانه کمک کرد تا بتوانیم راه‌آرام را ارسال آذوقه به برخی از روستاها فراهم کنیم. در مسیر رفتن به یکی از روستاها، جایی جاده تمام می‌شد و به رودخانه‌ای رسیدیم که پلش تخریب شده بود. آنسوی رودخانه روستایی قرار داشت که مسیر ارتباطی به آن از بین رفته بود. آب شرب روستا هم به دلیل شکستن یک لوله اتصال قطع شده بود. مردم تلاش می‌کردند به کمک وسایل اولیه‌ای که در اختیار داشتند و نخ جعبه شیرینی که همراهشان بود، قطعه اتصال لوله آب شرب روستا را به آنسوی رودخانه پرت کنند اما موفق نمی‌شدند. من به کمک همراهانم و با استفاده از تجهیزاتی که داشتیم توانستیم به دو سوی رودخانه زیپ لاینی وصل کنیم و آن قطعه به همراه مقداری دارو را به روستا برسانیم. از زیپ لاین تا زمان باز شدن مسیر روستا، نهارا دست‌رسی به آن بود.»

آفرود سواری در سیلاب

خودروهای آفرود در جاده‌های کوهستانی و سیل زده لرستان خودنمایی می‌کنند: خودروهایی که صاحبانشان بعد از وقوع سیل برای امداد رسانی رفتن به مناطق سیل زده به کمک آن اعلام آمادگی کرده‌اند. آفرودسواران بی خیال گل و لای که از سرو و کول خودروها پشان بالا می‌رود، عبور از جاده‌های فروریخته را ممکن می‌کنند. «حشمت الله سیاه پوش» از آفرودسواران استان لرستان است که در روزهای نخست بعد از سیلاب، فعالیت داوطلبانه خود را آغاز کرده است. او می‌گوید: «من مربی ورزش‌های هوایی هستم و به همین دلیل برای رفتن به سایت‌های پرواز، از خودروی آفرود استفاده می‌کنم. وقتی وضعیت جاده‌ها بعد از سیلاب را دیدم، به این فکر افتادم که با خودروی آفرود می‌توانم به امداد رسانی پرداخت. دوستان آفرودسواری داشتم که از دیگر استان‌ها اعلام آمادگی کرده بودند. ما به روستاهای مختلف می‌رفتیم و وسایل امداد رسانی و بسته‌های غذایی برایشان می‌بردیم. برای رسیدن به روستای کاکاوند شمالی، باید از رودخانه‌ای رد می‌شدیم که پل عبوری آن شکسته شده بود. ما به رودخانه زدیم تا از آب عبور کنیم. خودرو تا سقف زیر آب رفت. بچه‌ها خیلی زود خود را به سقف خودرو رساندند و تراکتوری به ما کمک کرد تا از آب خارج شویم. خوشبختانه خودرو روشن شد و ما به راهمان ادامه دادیم. علاوه بر یک‌های غذایی و وسایل مورد نیاز مردم، پزشکان داوطلب را برای معاینه



امدادگری علاقه‌ای انحصاری نیست

توانا از شرایط سخت امداد کوهستانی می‌گوید که مرد و زن نمی‌شناسد و بارها امدادگران را به در دسرهای جدی انداخته است: «در عملیات‌های کوهستان نمی‌توان همه شرایط را دقیق پیش بینی کرد. بسیاری از عملیات‌ها در شب اتفاق می‌افتد و کوهنوردی در تاریکی هوا، به خصوص در زمستان و در ارتفاع بالا کار ساده‌ای نیست. در یکی از عملیات‌های نجات فرد مصدوم آدرس اشتباهی از خود داده بود؛ در قله گرفتار شده بود و ما فکر می‌کردیم در دامنه کوه گرفتار است. ماه رمضان بود و ما روزا بودیم. مقدار آب زیادی هم همراهمان نبود چون فکر می‌کردیم آن فرد در دامنه کوه است. زمستان بود و ساعت ۱۱ شب همان اندک آبی که به همراه داشتیم هم یخ زده بود. برای رسیدن به موقعیت مصدوم، باید از مسیری می‌گذشتیم که مین گذاری شده بود. آشه‌مدان را خواندیم و با احتیاط از آن منطقه عبور کردیم. با هر زحمتی بود به فرد مصدوم رسیدیم و او را با خود به دامنه کوه آوردیم. در راه یکی از امدادگران اصطلاحاً بدنش انرژی تخلیه کرده بود و دچار ضعف شد. مجبور شدیم برای او هم برانکاردی درست کنیم و با خود به پایین بیاوریم. قرار گرفتن در تمام این شرایط هم برای من که امدادگر زن بودم و هم برای امدادگران مرد دشوار بود و چیزی که می‌توانست به ما کمک کند، مهارت آموزشی بود.» از حمایت‌های خانواده می‌گوید که اگر جایش خالی باشد امدادگران زن نمی‌توانند به راحتی فعالیت کنند: «فعالیت‌هایی که جامعه به عنوان فعالیت‌های مردانه از آن یاد می‌کنند، اغلب کارهایی هستند که زن‌ها از آموزش دیدن در آن منع شده‌اند. کسانی که می‌خواهند در این زمینه‌ها پیشگام شوند معمولاً با مشکلات و مقاومت‌هایی از طرف جامعه روبه‌رو می‌شوند و اگر خانواده همراهشان نباشد، رسیدن به هدف برای این افراد سخت می‌شود. این ورزش اگر با وسایل و تجهیزات کافی همراه باشد ورزش حرفه‌ای و جذاب است و هر کسی با داشتن مهارت‌های لازم، می‌تواند از پس آن بر بیاید.»



مردم به روستاهای می‌بردیم و این موضوع خیلی برایشان دلگرم کننده بود. حتی کسانی که بیماری خاصی نداشتند، از دیدن اینکه پزشکان هم به روستای سیل زده آن‌ها سر می‌زنند احساس آرامش و امنیت بیشتری می‌کردند. مردم روستاهای معمولان، دره گنج، کاکاوند، دم‌رود و ... دیگر ما را می‌شناختند و با دیدن ما، به سرآغمان می‌آمدند تا کمک‌های مردمی را دریافت کنند.» رانش جاده و برف و سیلاب و پل‌های شکسته رودخانه‌های خروشان، هیچ کدام مانعی برای تردد هر روزه آفرودسواران در کوهستان‌های لرستان نبود و مردم این روستاها، هر روز در ساعت مقرر، کنار جاده منتظر می‌مانند تا محموله‌های ارسالی از راه برسد.